

تأثیر ورزش بر خطرپذیری جنسی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران

زهرة احمدآبادی^۱، علی زاده محمدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۳۰

چکیده

ورزش به صورت سنتی، ابزاری استراتژیک برای تشویق و توسعه رفتارهای سلامت و فاکتور محافظتی و پیشگیرانه از رفتارهای پرخطر مخصوصاً خطرپذیری جنسی به حساب می‌آید. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ورزش و متغیرهای مرتبط با آن بر خطرپذیری جنسی - گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی- نوجوانان انجام گرفت. ۴۰۶ دانش‌آموز شامل ۲۷۱ پسر و ۱۳۵ دختر مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS) را تکمیل کردند. علاوه بر این پرسشنامه‌ای که در آن نوع ورزش، مدت زمان عضویت در تیم ورزشی، سطح رقابتی مسابقات، شرکت در اردوی ورزشی، میزان فعالیت ورزشی گنجانده شده بود، مورد سوال قرار گرفت. روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و ترکیبی از نمونه‌گیری طبقه‌ای، متناسب با حجم و تصادفی بود. برای توصیف متغیرها از میانگین و انحراف معیار، فراوانی و فراوانی نسبی و برای مقایسه میانگین‌ها از تحلیل واریانس چندگانه (MANOVA) استفاده شد. نتایج نشان داد برخلاف فرض تحقیق، نوجوانانی که در سطوح بالاتر ورزشی فعالیت داشتند، از خطرپذیری جنسی بالاتری برخوردار بودند. میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی در بین کسانی بیشتر به ورزش می‌پرداختند، از کسانی که کمتر ورزش می‌کردند، بطور معنی‌داری بالاتر بود. تفاوت معنی‌داری بین میانگین خطرپذیری جنسی در بین اعضای تیم‌های ورزش انفرادی نسبت به ورزشکاران ورزشهای گروهی وجود نداشت. ورزشکارانی که سابقه حضور در اردوهای ورزشی داشتند در خطرپذیری جنسی بطور معنی‌داری از میانگین بالاتری نسبت به سایرین برخوردار بودند. برای توجیه رابطه بین ورزش و خطرپذیری جنسی در بین نوجوانان، می‌توان به اثر استرس و فشار روانی فضای رقابتی، ضعف ارزشها و هنجارهای سازگاران در محیطهای ورزشی غیرحرفه‌ای، نبود آموزش و آمادگی ذهنی برای مقابله با خطرپذیری و نحوه شکل‌گیری تشکلهای ورزشی، سازماندهی و سیاستگذاری ورزش مدارس اشاره کرد. ضمناً عوامل زیست‌شناختی دوران نوجوانی از جمله بحران هویت و ساختار شخصیتی ورزشکاران را نیز باید مورد توجه قرار داد.

واژگان کلیدی: خطرپذیری جنسی، ورزش، نوجوان.

۱. کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از رشد است که بعد از کودکی آغاز و قبل از شروع جوانی خاتمه می‌یابد. شروع نوجوانی در حدود سن دوازده سالگی (هم زمان با ظاهر شدن صفات ثانوی جنسی) و ختم آن در نوزده سالگی است (۲). با توجه به جوان بودن جمعیت ایران، حجم وسیعی از مسائل، دشواری‌ها و چالش‌های جامعه به مسائل نوجوانان و جوانان اختصاص یافته و مسأله سلامت اجتماعی و روانی آنان، از اولویت‌های اصلی کشور محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر شیوع رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان و جوانان در ایران به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است و نگرانی‌های عمیقی را در سطوح مختلف مدیریتی، دانشگاهی و عمومی جامعه به وجود آورده است. بر اساس تحقیق محمدی و همکاران (۲۲) ۲۸٪ از نوجوانان تهرانی، درگیر رفتارهای جنسی شدند. شروع زود هنگام فعالیت جنسی، پیامدهای ناگواری را برای نوجوانان به همراه می‌آورد. نوجوانانی که از نظر جنسی فعالند، ممکن است بارداری ناخواسته، ایدز، بیماری‌های عفونی مقاربتی و مشکلات ارتباطی با والدین و همسالانشان را تجربه کنند (۲۳).

نوجوانان و جوانان گروه‌های اصلی آسیب‌پذیر در مقابل ابتلا به ایدز هستند (۲۹). براساس آخرین آمار وزارت بهداشت در کشور، تا خرداد ۱۳۸۵، ۱۳ هزار و ۷۰۲ نفر مبتلا به اچ آی وی شناسایی شده‌اند. تخمین زده می‌شود روزانه بیش از ۴۰ نفر در ایران به ویروس اچ آی وی مبتلا شوند و درحال حاضر تعداد افراد مبتلا در ایران رقمی حدود ۷۰ الی ۸۰ هزار نفر باشد. اگر چه سهم راه انتقال جنسی در چند سال گذشته بطور نسبی ثابت مانده است اما عدد مطلق آن از ۵۰ نفر در سال ۱۳۷۹ به ۲۰۰ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده است و احتمالاً بخشی از آمار مربوط به راه انتقال ناشناخته (۲۷/۹٪) به تماس جنسی برمی‌گردد (۴). سن بیشتر مبتلایان شناسایی شده بین ۲۵ تا ۳۴ سال و سپس ۳۵ تا ۴۴ سال است و با توجه به دوره کمون طولانی (حدود ۱۰ سال) بدیهی است که درصد بسیاری از موارد ابتلا در زمان نوجوانی و جوانی اتفاق افتاده است (۳).

شناسایی و فهم فاکتورهای موثر بر تصمیم‌گیری نوجوانان در مورد مسأله جنسی، به حفاظت از آنها در برابر این پیامدها کمک می‌کند. بر اساس مدل بوم شناختی^۱ اسمال و لاستر (۳۴) تجمیع^۲ یا تعامل^۳ ریسک فاکتورهای فردی (توانایی هوشی^۴، جنسیت، عزت نفس)، خانوادگی

1. ecological model
2. accumulation
3. interaction
4. intellectual ability

(ارتباط با والدین، ساختار خانواده، منزلت اجتماعی- اقتصادی) و سطح فراخانوادگی (داشتن دوست از جنس مخالف، گروه‌های همسالان و تعلق^۱ به مدرسه) بر تصمیم‌گیری جنسی نوجوانان مؤثر است.

یکی از فاکتورهای مؤثر بر رفتار جنسی نوجوان، مشارکت ورزشی است. ورزش فعالیت‌های فراخانوادگی است که به صورت سنتی، ابزاری برای تشویق و توسعه رفتارهای سلامت (۲۵) و فاکتور محافظتی و پیشگیرانه از رفتارهای پرخطر به حساب می‌آید (۹، ۱۳، ۲۶، ۲۸). از دو بعد روان‌شناختی و اجتماعی، مشارکت منظم در رقابتهای ورزشی دبیرستان با احساس مثبت در مورد بدن، بهبود عزت نفس، استقلال در تصمیم‌گیری و یادگیری کار با دیگران، همراه است (۵، ۳۳).

بر اساس نظریه پیوند اجتماعی^۲، هر چه احساس تعلق فرد به یک زمینه اجتماعی مثبت (دیگران مهم^۳، تعهد به نهادهای اجتماعی، درگیری^۴ در فعالیتهای سازگاران و اعتقاد به نظام ارزشی رایج) بیشتر باشد، احتمال رفتار اجتماعی مناسب نیز از سوی او افزایش می‌یابد (۱۲). ورزش سازمان‌یافته، می‌تواند پیوندهای اجتماعی را گسترش دهد (۳۱)، درگیری در شبکه‌های اجتماعی همسالان و بزرگسالان را تشویق کند و فرصت کج‌رفتاری را در اوقات فراغت ساختار نیافته و نظارت نشده کاهش دهد (۱۹).

بر اساس نظریه فعالیت روزمره^۵ (۷) نرخ بالاتر جرم با پراکندگی فعالیت‌های نوجوان به خارج از خانواده و صرف وقت بیشتر با همسالان مخصوصاً در شرایط نظارت نشده افزایش می‌یابد. مشارکت ورزشی از طریق ساماندهی اوقات فراغت نوجوانان، تحت نظارت بزرگسالان، فرصت‌های خطرپذیری را محدود می‌سازد. ازگود و همکاران (۲۴) رفتارهای انحرافی مثل جرم، سوء مصرف و رانندگی خطرناک را با تعاملات ساختارنیافته با همسالان (وقت‌گذرانی عصرانه در بیرون) و نه با فعالیت‌های ساختارنیافته مثل سینما رفتن، خرید یا ورزش همبسته دانسته‌اند. به طور مشخص‌تر، نقش ورزش در کاهش رفتارهای پرخطر جنسی در تحقیقات متعددی بررسی شده است (۳۰، ۱۴، ۳۳). در این تحقیقات بیان شده که ورزش با کاهش فعالیت جنسی و رفتارهای پرخطر رابطه مستقیم دارد و بر اهمیت ورزش به عنوان ابزاری استراتژیک در پیشگیری از خطرپذیری جنسی تأکید کرده‌اند.

1. attachment
2. Social Bonding Theory
3. significant others
4. involvement
5. Routine Activities Theory

جوان بودن جمعیت کشور و رشد فزاینده خطرپذیری جنسی و پیامدهای ناگوار آن در بین نوجوانان، ضرورت آمادگی جامعه در برابر سرعت تغییرات رفتاری و نگرشی آنها را بیش از پیش نمایان می‌کند. علاوه بر این، اهمیت توجه به پژوهش‌های تجربی در بحث پیشگیری از خطرپذیری جنسی، پرهیز از ارائه راهکارها و توصیه‌های غیرکارشناسی و بدون پشتوانه علمی و نبود تحقیقات مرتبط با سودمندی یا زیانباری ورزش در حوزه رفتارهای پرخطر جنسی نوجوانان از دلایل انجام تحقیق حاضر است. این پژوهش اثرمندی مشارکت ورزشی و متغیرهای مرتبط با آن در کاهش خطرپذیری جنسی - که در دو مقوله گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی سنجیده شده - مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش شناسی

نوجوانان محصل در دو پایه سوم و پیش‌دانشگاهی در تمام رشته‌های تحصیلی در شهر تهران جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. بنابر آمار موجود در سایت آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵، ۱۹۳۹۰۳ نفر بودند. با جایگزینی این مقدار در فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح معناداری ۰/۰۵٪، کران خطای ۵٪ و p و q ۰/۵، حجم نمونه برابر با ۳۹۹ نفر بدست آمد که با محاسبه احتمال ریزش و داده مفقوده، ۱۰ نفر به این میزان افزوده شد و در نهایت ۴۰۶ دانش‌آموز مورد تحلیل قرار گرفتند. نمونه‌گیری این تحقیق از نوع چند مرحله‌ای بود. نحوه انتخاب نمونه‌ها بدین صورت بود که ابتدا تهران به چهار منطقه شمال، شرق، غرب و جنوب تقسیم شد (نمونه‌گیری طبقه‌ای). در هر کدام از این طبقات، متناسب با تعداد دانش‌آموزان آن طبقه، حجم نمونه تعیین شده (نمونه‌گیری متناسب با حجم)، با کسب مجوز از آموزش و پرورش مناطق، به صورت تصادفی به مدارس مراجعه شده و در هر یک، دانش‌آموزان پرسشنامه را تکمیل نمودند.

ابزار

برای سنجش خطرپذیری جنسی از مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (IARS)^(۱) استفاده شد. در این مقیاس ۳۸ گویه برای سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل ۷ دسته رفتارهای پرخطر از قبیل گرایش به خشونت، گرایش به سیگارکشیدن، گرایش به مصرف مواد مخدر، گرایش به مصرف الکل، گرایش به رابطه و رفتار جنسی و گرایش به دوستی با جنس مخالف به کار گرفته شد. پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این گویه‌ها در مقیاس ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافق (=۵) تا کاملاً مخالف (=۱) بیان کردند. برای ارزیابی مناسب بودن اندازه نمونه

(۱۲۰۴ نفر) از آزمون کفایت نمونه‌گیری کایزر- مایر- اولکین (KMO) ^۱ و آزمون کرویت بارتلت ^۲ استفاده شد. KMO که به آزمون کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها می‌پردازد، در این مقیاس برابر با ۰/۹۵۲ بود که نشان می‌دهد همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل داده‌ها مناسب بوده است. نیز آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنادار شد ($\chi^2 = 26191/21$, $df = 703$, $P = 0/001$). برای محاسبه اعتبار یا پایایی IARS از روش همسازی درونی و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. این آزمون برای مقیاس کلی ۰/۹۳، گرایش به دوستی با جنس مخالف ۰/۸۳ و گرایش به رابطه و رفتار جنسی ۰/۸۷ بدست آمد (۱). علاوه بر این پرسشنامه‌ای که در آن نوع ورزش، مدت زمان عضویت در تیم ورزشی، سطح رقابتی مسابقات، شرکت در اردوی ورزشی و میزان فعالیت ورزشی گنجانده شده بود، مورد سوال قرار گرفت.

برای توصیف متغیرها آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، فراوانی و فراوانی نسبی و برای مقایسه میانگین‌ها از تحلیل واریانس چندگانه (MANOVA) استفاده شد.

نتایج

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی نشان داد ۶۶/۷٪ (۲۷۱ نفر) از پاسخگویان را پسران و ۳۳/۱٪ (۱۳۵ نفر) از آنها را دختران تشکیل می‌دهند. دانش‌آموزان از پایه‌های دوم تا چهارم به یک میزان انتخاب شدند. همچنین ۵۳/۶٪ از این افراد در رشته ریاضی، ۲۳/۳٪ در رشته انسانی و ۲۳/۱٪ در رشته تجربی تحصیل می‌کردند. دامنه سنی پاسخگویان از ۱۶ تا ۱۹ سال و میانگین سنی آنها $17/6 \pm 1$ سال بود. بر حسب یک مقیاس ۵ قسمتی، میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف ($3/24 \pm 1/14$) و گرایش به رابطه و رفتار جنسی ($2/15 \pm 1/14$) بدست آمد. میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف در دختران ($1/14 \pm 3/01$) و در پسران ($1/22 \pm 3/41$) و میانگین گرایش به رابطه و رفتار جنسی در دختران ($1/0 \pm 1/82$) و در پسران ($1/27 \pm 2/44$) گزارش شد.

در جدول ۱ درصد موافقت و مخالفت دانش‌آموزان با گویه‌های مربوط به گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی بیان شده است.

1. Kaiser-Mayer-Oklin measure of sampling adequacy

2. Bartlett Test of sphericity

جدول ۱. پاسخهای دانش‌آموزان به گویه‌های مربوط به شاخص‌گرایی با دوستی با جنس مخالف و

رابطه و رفتار جنسی

فراوانی (درصد)					
کاملاً مخالفم	متوسط	موافقم	کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	
					گرایش به دوستی با جنس مخالف
۱۳۶ (۳۳/۷)	۷۳ (۱۸/۱)	۵۶ (۱۳/۹)	۴۸ (۱۱/۹)	۹۱ (۲۲/۵)	دوست دختر/پسر داشتن بد نیست
۱۳۳ (۳۳/۰)	۱۰۱ (۲۵/۱)	۸۴ (۲۰/۸)	۴۲ (۱۰/۴)	۴۳ (۱۰/۷)	اکثر دوستان من دوست دختر/ پسر دارند
۱۰۹ (۲۷/۱)	۶۲ (۱۵/۴)	۷۷ (۱۹/۲)	۶۶ (۱۶/۴)	۸۸ (۲۱/۹)	برای شناخت جنس مخالف لازم است که آدم دوست دختر/ پسر داشته باشد
۱۱۸ (۲۹/۴)	۴۹ (۱۲/۲)	۴۵ (۱۱/۲)	۴۳ (۱۰/۷)	۱۴۷ (۳۶/۶)	من تا بحال دوست دختر/ پسر داشته ام
					گرایش به رابطه و رفتار جنسی
۴۷ (۱۱/۷)	۵۸ (۱۴/۴)	۳۳ (۸/۲)	۵۲ (۱۲/۹)	۲۱۲ (۵۲/۷)	رابطه جنسی باعث محکمتر شدن رابطه / عشق می شود.
۶۳ (۱۵/۷)	۴۳ (۱۰/۷)	۲۷ (۶/۷)	۵۱ (۱۲/۷)	۲۱۷ (۵۴/۱)	اگر کسی را عاشقانه دوست داشته باشم حاضرم با او رابطه جنسی داشته باشم
۵۶ (۱۳/۹)	۴۹ (۱۲/۲)	۲۸ (۷/۰)	۵۹ (۱۴/۷)	۲۱۰ (۵۲/۲)	به غیر از ازدواج، من راههای دیگری را برای رفع نیاز جنسی انتخاب می‌کنم
۵۲ (۱۳/۰)	۵۷ (۱۴/۲)	۳۲ (۸/۰)	۵۸ (۱۴/۵)	۲۰۲ (۵۰/۴)	بنظر من وقتی دو نفر از نظر احساسی بهم نزدیک شدند، نزدیکی جسمی ایرادی ندارد

مطابق با نتایج جدول ۱، ۴۷/۶٪ از پاسخگویان موافق و کاملاً موافقت کردند که "دوست دختر/پسر داشتن بد نیست". ۵۳/۸٪ عنوان کرده‌اند اکثر دوستانشان دوستی از جنس مخالف دارند. ۴۶/۳٪ با این نظر که فرد برای شناخت جنس مخالف باید دوست دختر/پسر داشته باشد، موافق و کاملاً موافقت کردند. ۴۰/۶٪ با این عبارت که "من تا بحال دوست از جنس مخالف داشته‌ام" موافقت کرده‌اند. ۲۰/۹٪ راههای دیگری جز ازدواج را برای رفع نیاز جنسی برمی‌گزینند. ۲۲/۴٪ از دانش‌آموزان با این عبارت موافق و کاملاً موافقت کردند که "اگر کسی را عاشقانه دوست داشته باشند، با او رابطه جنسی برقرار می‌کنند". ۱۹/۹٪ رابطه جنسی را باعث محکمتر شدن عشق می‌دانند و ۲۱/۰٪ در نزدیکی جسمی دو نفر که یکدیگر را دوست دارند، ایرادی نمی‌بینند.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیرهای ورزشی

پسر		دختر		کل		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
						عضویت در تیم ورزشی
۷۱/۶	۱۹۴	۴۹/۶	۶۷	۶۴/۲	۲۶۱	بله
۲۸/۴	۷۷	۵۰/۴	۶۸	۳۵/۸	۱۱۵	خیر
						سطح مسابقات
۳۲/۸	۵۷	۵۴/۸	۳۴	۳۸/۴	۹۱	مداریس
۳۷/۴	۶۵	۲۹/۰	۱۸	۳۵/۴	۸۳	مناطق و شهر
۲۹/۹	۵۲	۱۶/۱	۱۰	۲۶/۲	۶۲	استانی، کشوری و بالاتر
						میزان جلسات تمرین در هفته
۴۱/۹	۷۵	۷۰/۵	۴۳	۴۹/۰	۱۱۸	دو جلسه و کمتر
۵۸/۱	۱۰۴	۲۹/۵	۱۸	۵۱/۰	۱۲۲	سه جلسه و بالاتر
						نوع ورزش تیمی
۷۱/۶	۱۳۶	۷۰/۱	۴۷	۷۱/۳	۱۸۳	گروهی
۲۸/۴	۵۴	۲۹/۹	۲۰	۲۸/۷	۷۴	انفرادی
						سابقه ورزش تیمی
۲۱/۵	۱۴	۲۸	۷	۲۳/۳	۲۱	۱ سال و کمتر
۵۶/۹	۳۷	۴۰	۱۰	۵۲/۲	۴۷	۲ تا ۳ سال
۲۱/۵	۱۴	۳۲	۸	۲۴/۴	۲۲	۴ سال و بیشتر
						سابقه شرکت در اردوی ورزشی
۳۲/۳	۶۲	۵۸/۲	۳۹	۳۹/۲	۱۰۱	خیر
۶۷/۷	۱۳۰	۴۱/۸	۲۸	۶۰/۸	۱۵۸	بله
						مدت حضور در اردوی ورزشی
۳۹/۹	۵۷	۵۱/۷	۱۵	۴۱/۹	۷۲	یک تا دو بار
۳۹/۹	۵۷	۴۴/۸	۱۳	۴۰/۷	۷۰	سه تا پنج بار
۲۰/۳	۲۹	۳/۴	۱	۱۷/۴	۳۰	شش بار و بالاتر

همانطور که در جدول ۲ مشخص است، بیش از ۶۴٪ از دانش آموزان، تا بحال عضو تیم ورزشی بوده‌اند که اکثر آنان در سطح مدرسه به فعالیت ورزشی پرداخته‌اند. از بین این دانش آموزان، بیش از ۷۱٪ عضو تیم‌های گروهی بوده و نزدیک به ۴۰٪ در اردوهای ورزشی شرکت کرده‌اند. نیمی از دانش آموزان ورزشکار، سابقه ورزشی خود را ۲ تا ۳ سال و ۲۴/۴٪ از آنها بیش از ۴ سال گزارش داده‌اند.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چندگانه عضویت در تیم ورزشی بر گرایش به دوستی

با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی

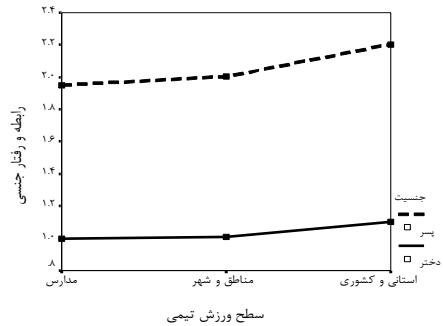
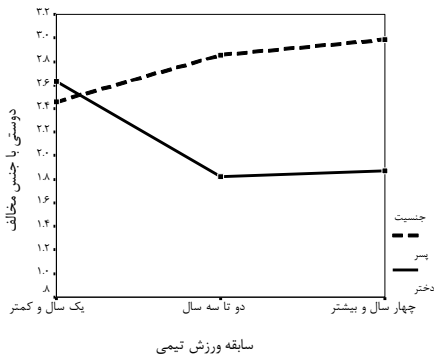
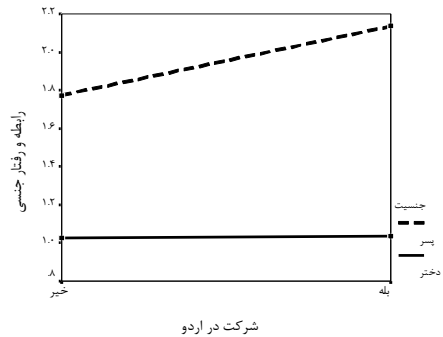
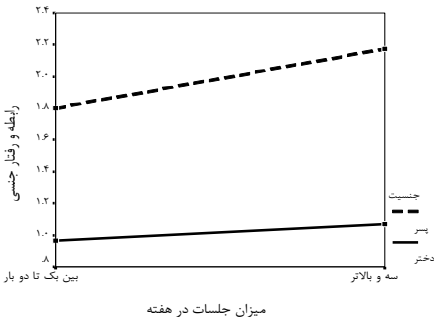
گرایش به رابطه و رفتار جنسی		گرایش به دوستی با جنس مخالف		
F	میانگین (انحراف معیار)	F	میانگین (انحراف معیار)	
۳/۰۵۴*		۴/۲۱۱*		سطح مسابقات
	۱/۵۹ (۱/۰۱)		۲/۳۹ (۱/۰۶)	مدارس
	۱/۷۸ (۱/۰۴)		۲/۶۴ (۱/۰۳)	مناطق و شهر
	۲/۰۲ (۱/۱۳)		۲/۸۹ (۱/۰۰)	استانی، کشوری و بالاتر
۱۴/۷۲۶**		۱۵/۰۳۹**		میزان جلسات تمرین در هفته
	۱/۴۹ (۰/۹۳)		۲/۳۰ (۱/۰۶)	دو جلسه و کمتر
	۲/۰۰ (۱/۱۲)		۲/۸۱ (۰/۹۹)	سه جلسه و بالاتر
۱/۲۰۲		۰/۰۹۱		سابقه ورزش تیمی
	۱/۵۷ (۱/۱۶)		۲/۵۱ (۱/۰۸)	۱ سال و کمتر
	۲/۰۴ (۱/۲۰)		۲/۶۳ (۱/۰۷)	۲ تا ۳ سال
	۱/۷۹ (۱/۲۴)		۲/۵۸ (۱/۰۷)	۴ سال و بیشتر
۰/۲۳۲		۰/۶۱۴		نوع ورزش تیمی
	۱/۷۸ (۵/۴۲)		۲/۶۱ (۱/۰۷)	گروهی
	۱/۷۱ (۵/۰۶)		۲/۴۹ (۱/۰۳)	انفرادی
۱۱/۶۶۲**		۱۰/۳۴۴**		سابقه شرکت در اردوی ورزشی
	۱/۴۸ (۰/۹۲)		۲/۳۲ (۱/۰۳)	خیر
	۱/۹۴ (۱/۱۱)		۲/۷۵ (۱/۰۶)	بله
۳/۷۰۲*		۲/۸۰۶		مدت حضور در اردوی ورزشی
	۱/۹۱ (۱/۰۹)		۲/۶۶ (۱/۰۲)	یک تا دو بار
	۱/۷۷ (۱/۰۰)		۲/۶۴ (۱/۰۸)	سه تا پنج بار
	۲/۴۱ (۱/۲۲)		۳/۱۵ (۱/۰۰)	شش بار و بالاتر

P<0.05*; p<0.01**

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است، تفاوت میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی بین سطوح استانی و بالاتر و مدارس معنی‌دار است. به عبارت دیگر نوجوانانی که در سطوح بالاتر ورزشی فعالیت دارند، از خطرپذیری بالاتری برخوردارند. همچنین میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی در بین کسانی که سه جلسه و بالاتر در هفته به ورزش تیمی می‌پردازند، از کسانی که کمتر ورزش می‌کنند، بالاتر است. تفاوت معنی‌داری بین میانگین خطرپذیری در بین اعضای تیم‌های ورزش انفرادی نسبت به ورزشکاران ورزش‌های گروهی وجود ندارد. ورزشکارانی که سابقه حضور در اردوهای ورزشی دارند از میانگین بالاتری در هر دو خطرپذیری نسبت به سایرین برخوردارند. نوجوانانی که شش بار و بیشتر در اردوهای ورزشی شرکت کرده‌اند، در گرایش به رابطه و رفتار جنسی میانگین بالاتری دارند.

نتایج تاثیرات تعاملی جنسیت و هر یک از متغیرهای فوق نشان داد اگر چه این تاثیر از نظر آماری معنی دار نشد اما تفاوت‌هایی بین دختران و پسران در خطرپذیری جنسی در اثر نوع و میزان مشارکت ورزشی وجود دارد.

همانطور که در نمودار ۱ مشخص است افزایش جلسات تمرین در هفته، شرکت در اردو و ارتقاء سطح ورزشی، میزان خطرپذیری پسران را در فاکتور گرایش به رابطه و رفتار جنسی بالا برده اما در دختران تغییری ایجاد نکرده است. گرایش به دوستی با جنس مخالف در پسران و دختران در اثر افزایش سابقه ورزش، جهت‌گیری متفاوتی داشته به نحوی که در پسران افزایش و در دختران کاهش نشان داده است.



نمودار ۱. تاثیر تعاملی جنسیت و متغیرهای ورزشی

جدول ۴: میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی بر حسب

رشته‌های ورزشی

رشته ورزشی	گرایش به دوستی با جنس مخالف	گرایش به رابطه و رفتار جنسی
فوتبال (n=۱۱۱)	۲/۴۱ (۱/۲۶)	۱/۹۵ (۱/۰۷)
والیبال (n=۳۰)	۱/۸۸ (۰/۵۵)	۱/۰۷ (۰/۴۹)
بسکتبال (n=۲۳)	۲/۰۸ (۰/۸۸)	۱/۹۷ (۱/۲۶)
کشتی (n=۱۰)	۲/۴۲ (۱/۰۶)	۱/۸۲ (۱/۱۶)
آمادگی جسمانی (n=۱۰)	۲/۵۷ (۱/۲۲)	۲/۷۱ (۰/۷۰)
رزمی (n=۲۵)	۲/۴۳ (۱/۲۲)	۱/۶۵ (۱/۰۶)
شنا (n=۱۵)	۲/۱۰ (۰/۸۸)	۱/۵۸ (۱/۰۱)
F	۲/۳۴۷*	۲/۵۰۸**

P<0.05*; p<0.01**

در جدول ۴، میانگین خطرپذیری بر حسب ورزش‌هایی که دارای فراوانی بیشتر از ۱۰ نفر بودند، ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی در ورزشکاران والیبالیست از سایرین پایین‌تر و در آمادگی جسمانی بالاتر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیرگذاری ورزش بر خطرپذیری جنسی - گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی - بود. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد برخلاف فرض تحقیق، نوجوانانی که در سطوح بالاتر ورزشی فعالیت دارند، از خطرپذیری جنسی بالاتری برخوردارند. همچنین میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی در بین کسانی که بیشتر به ورزش تیمی می‌پردازند، از کسانی که کمتر ورزش می‌کنند، بالاتر است. علاوه بر این، تفاوت معنی‌داری بین میانگین خطرپذیری در بین اعضای تیم‌های ورزش انفرادی نسبت به ورزشکاران ورزش‌های گروهی وجود ندارد. در تحقیق حاضر همچنین مشخص شد بین دختر و پسر در خطرپذیری جنسی در برخی فاکتورهای ورزشی تفاوت وجود دارد و پسران با افزایش سطح، سابقه و میزان ورزش، به خطرپذیری بالاتری دست می‌زنند اما در دختران تغییری ایجاد نمی‌شود، با این حال این تفاوت‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست.

میانگین بالاتر خطرپذیری جنسی در بین نوجوانان دارای سابقه و سطح ورزشی بالاتر، با نتایج برخی از مطالعات همسوست. از نظر میلر و همکاران (۱۹) ورزش، بیش از آن که نقشی بازدارنده را در برابر کج رفتاری ایفا کند، تحت برخی شرایط، مسیری به سمت کج رفتاری است. شماری از مطالعات (۶، ۱۵) به تاثیر مستقیم ورزش بر رفتارهای پرخطر نوجوانان اشاره کرده‌اند. اسمیت و کالدول (۳۵) نشان دادند دختران و پسران ورزشکار، بیش از سایرین از نظر جنسی فعالند. برخی از مطالعات در بین پسران مشخص کردند ورزشکاران بیشتر در معرض خطر فعالیت جنسی (۲۰) و باردار کردن شریک جنسی خود (۳۶) هستند.

از سوی دیگر این یافته با نتایج برخی از تحقیقات انجام شده متضاد است. به عنوان نمونه ساویج و هلکومب (۳۳) به مقایسه ۸ ایتیم فعالیت جنسی (درگیر شدن در رابطه جنسی، سن اولین تماس جنسی، تعداد شرکای جنسی، رابطه جنسی فعلی، استفاده از کاندوم، مصرف قرص ضد بارداری، ابتلا به بیماریهای مقاربتی و مصرف الکل و مواد مخدر قبل از آخرین رابطه جنسی) در میان دو دسته نوجوان ورزشکار و غیر ورزشکار پرداختند. آنها نشان دادند بجز مصرف الکل و مواد مخدر قبل از آخرین تماس و استفاده از قرص ضد بارداری، در بقیه موارد خطرپذیری، تفاوت‌های معناداری بین نمونه ورزشکار و غیرورزشکار دیده می‌شود و دختران غیرورزشکار بیش از ورزشکاران درگیر روابط جنسی پرخطر می‌شوند. سابو و همکاران (۳۰) دریافتند در دختران، مشارکت ورزشی مستقیماً با کاهش تعداد روابط جنسی و با کاهش خطر بارداری، بطور غیرمستقیم رابطه دارد و برنامه‌های پیشگیری از بارداری برای دختران، باید فایده‌مندی ورزش را به عنوان ابزاری استراتژیک مدنظر قرار دهد. در پسران ورزشکار نسبت به پسران غیرورزشکار، نرخ پایین‌تر روابط جنسی مشاهده نشد. به عبارت دیگر ورزش نقش تعیین کننده‌ای در کاهش رفتارهای جنسی در پسران نداشت. کولیگ و همکاران (۱۴) نشان دادند دخترانی که در تیم‌های ورزشی شرکت کردند، احتمالاً کمتر مواد مخدر مصرف می‌کنند یا درگیر رفتارهای جنسی پرخطر می‌شوند تا آنهایی که در هیچ تیم ورزشی نبوده‌اند.

برای تبیین رابطه بین ورزش و خطرپذیری جنسی، به فهم و مطالعه مکانیزم‌های واسطه‌ای بین این دو نیازمندیم. یکی از مهمترین مکانیزم‌ها، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی است. طبق نظریه منابع فرهنگی (۲۱) مشارکت ورزشی از طریق سرمشق‌های^۱ فرهنگی جنسیتی و منابع مبادله‌ای (عزت نفس، خودکارآمدی و ...) بر پیامدهای جنسی تاثیر می‌گذارد. در واقع انتظارات اجتماعی، الگوهای جنسیتی و منابع اجتماعی و فردی تصمیمات فرد را در مورد مسأله جنسی

شکل می‌دهد. اگر چه ورزش، منابع مبادله‌ای مفیدی را در اختیار نوجوانان می‌گذارد اما در زمینه کلیشه‌های جنسیتی بین دختر و پسر، متفاوت عمل می‌کند. از یک سو عضویت ورزشی برای دختران نوجوان، به عدم تأیید^۱ و گریز^۲ از سرمشق‌های فرهنگی سنتی زنانه - که انفعال را در زمینه کنترل و اتکا به نفس^۳ در مساله جنسی تقویت می‌کند - کمک می‌کند و وابستگی دختران را به جلب توجه پسران از طریق بدن - برای دستیابی به احساس خود ارزشمندی^۴ - کاهش می‌دهد. با این گریز، دختران ورزشکار، بیشتر احتمال دارد زندگی جنسی و بدن‌های خود را کنترل کنند و در نتیجه بیشتر در رفتارهایی که خطرات سلامت جنسی را کاهش می‌دهد و سلامت جنسی را تقویت می‌کنند، درگیر شوند. مشارکت ورزشی، بدن‌های دختران، هویت‌ها و انتخاب‌های آنان را در مورد قرار ملاقات و مساله جنسی بهبود می‌بخشد و از آنها محافظت می‌کند (۱۰).

از سوی دیگر ممکن است ورزش بیش از آنکه به رفع کلیشه‌های جنسیتی بپردازد، به تقویت و توسعه آنها در بین نوجوانان منجر شود. نتایج سال‌ها بررسی انتقادی ورزش نشان داده است ورزش ابزاری برای تثبیت و تقویت هژمونی^۵ مردانگی است (۱۱). فرهنگ ورزشی مردسالار، بسیار معطوف به تفکیک جنسیتی^۶ است که تاکید زیادی بر بیش مردانه کردن^۷ و ارزش زدایی از زنانگی دارد و به تثبیت نگرش‌های سنتی مردانه در مورد زنان و مساله جنسی می‌پردازد (۱۷، ۱۸). علاوه بر این، به حاشیه راندن^۸ و جنسی کردن^۹ زنان بخشی از فرهنگ ورزش است (۸، ۱۸). از این رو ورزش تعهد به سرمشق‌های سنتی را - که خطر جنسی، خشونت و بی بندوباری جنسی را مجاز می‌داند - در مردان تقویت می‌کند (۲۱).

علاوه بر این در تبیین یافته‌های بدست آمده می‌توان گفت تیم‌های ورزشی، محل تجمع گروه‌های همسالان است که می‌تواند دربرگیرنده هنجارهای قوی مرتبط با رفتارهای پرخطر باشد. این هنجارهای اجتماعی مخصوصاً برای نوجوانان در سنین مدرسه مهم و حیاتی است؛ چرا که آن‌ها هنگام ورود و معرفی به محیط جدید همچون تیم ورزشی باید خود را با این

1. disconfirmation
2. de-emphasis
3. self-reliance
4. self-worth
5. male hegemony
6. gender segregation
7. hypermasculinity
8. subordination
9. sexualization

موقعیت ناآشنا تطبیق دهند و برای آنان دشوار است که از خطوط رفتاری پیشین تبعیت کنند. در طول این زمان مبهم آغازین، تاثیرات هنجاری بر رفتارهای نوجوان افزایش می‌یابد و فرد به احتمال بیشتری با گرایش‌ها و رفتارهای گروه جدید وفق می‌پذیرد (۲۷). بر اساس رویکرد جامعه‌شناسی ورزش، نقش و نفوذ مربی، هم‌تیمی‌ها و دوستان در فعالیت‌های ورزشی بر ورزشکاران تا حدی است که می‌تواند نگرش‌ها و رفتار ورزشکاران را شکل دهد (۳۲). گرایش به خطرپذیری جنسی را می‌توان به واسطه جو گروهی و هم‌نوایی با فشارهای گروه برای داشتن تجربیات جنسی زودهنگام (۳۳) و یا نگرش‌های جنسی آزادتر تبیین کرد. تاثیر پیشگیرانه یا آسیب‌زای ورزش تیمی بر خطرپذیری جنسی، احتمالاً به نوع ارزش‌ها و هنجارهای گروهی پذیرفته شده در تیم بستگی دارد که برای فهم این تاثیرگذاری می‌بایست هم‌زمان، فرهنگ حاکم بر تیم بررسی شود و ارزش‌ها و نگرش‌های هم‌تیمی‌ها و مربیان نیز مورد مطالعه قرار گیرند.

همچنین در این پژوهش مشخص شد میانگین گرایش به دوستی با جنس مخالف و گرایش به رابطه و رفتار جنسی در ورزشکاران والیبالیست، پایین‌تر و در آمادگی جسمانی بالاتر از سایرین بود. ورزشکارانی که سابقه حضور در اردوهای ورزشی دارند، در خطرپذیری جنسی به طور معنی‌داری از میانگین بالاتری نسبت به سایرین برخوردارند. بنظر می‌رسد در شرایط اردویی، بالا بودن زمان بیکاری و وقت آزاد، دوری از خانواده و نبود کنترل کافی بر رفتار ورزشکاران در زمان غیر از بازی، آسیب‌پذیری نوجوانان را افزایش می‌دهد و فرصت انجام یا ابراز کارهای ممنوع را در اختیار آنان می‌گذارد.

عدم همخوانی یافته‌های این پژوهش با برخی از نتایج تحقیقات خارجی را - که در آنها بیشتر بر نقش پیشگیرانه ورزش در خطرپذیری جنسی تاکید شده - می‌توان به گونه‌ای به عامل غیرحرفه‌ای بودن تشکل‌های تیمی دانش‌آموزان در ایران نیز نسبت داد که در آن تیم به مفهوم کلاسیک و با تجهیزات، تمهیدات و صلاحیت‌های علمی لازم شکل نگرفته و احتمالاً گزینش ورزشی دانش‌آموزان بر پایه معیارهای دقیق و معتبر انجام نمی‌شود. از این رو حضور دانش‌آموزان با ریسک‌پذیری و جسارت عمل بالاتر در تیم‌های ورزشی مدارس بیشتر شده، جرأت خطرپذیری را در دو گروه دانش‌آموزان بالا برده و عملاً تیم‌ها را به فضایی مناسب برای انگیزه‌ها و اهداف غیر ورزشی و آسیب‌زا تبدیل نموده است.

علاوه بر این ممکن است اساساً جهت فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر عضویت در تیم ورزشی بر خطرپذیری جنسی، به شکل دیگری باشد. به عبارت بهتر افراد خطرپذیرتر به دلیل دارا بودن ویژگی‌های شخصیتی، تمایل بیشتری برای عضویت در تیم‌ها و باشگاه‌های ورزشی داشته

باشند. همچنین مختصات منحصر به فرد یک تیم ورزشی از قبیل فرصت ابراز خود و خودنمایی، آزادی عمل بیشتر، کاهش کنترل خانواده، تجمع همسالان و تشخیص چنین فرصتهایی برای انجام رفتارهای پرخطر از سوی نوجوانان خطرپذیر، مقدمات ورود آنها را به تیمهای ورزشی فراهم می‌کند.

در نهایت می‌توان گفت استرس و فشار روانی فضای رقابتی، خصوصیات شخصیتی ورزشکاران، ضعف ارزش‌ها و هنجارهای سازگاران در محیط‌های ورزشی غیر حرفه‌ای مدارس، نبود آموزش و آمادگی ذهنی برای مقابله با خطرپذیری و نحوه شکل‌گیری تشکلهای ورزشی و سازماندهی ورزش مدارس در گرایش و ارتکاب رفتارهای پرخطر جنسی در بین ورزشکاران مؤثرند.

محدودیتها و پیشنهادهای تحقیق

این تحقیق مکانیزم‌ها و متغیرهای واسطه‌ای تبیین‌کننده ارتباط بین ورزش و خطرپذیری جنسی را مورد بررسی قرار نداده است. زمینه فرهنگی و اجتماعی تیمهای ورزشی، ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران و کنترل و نظارت بر آنها می‌تواند به عنوان مکانیزم‌های واسطه‌ای مطرح شوند. همچنین از آنجا که ورزش به عنوان یکی از نهادهای جامعه‌پذیری در انتقال ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی از جمله نقش‌های جنسیتی، عمل می‌کند، لازم است که نقش کلیشه و هویت جنسیتی در این رابطه بررسی شود و شیوه تأثیرگذاری آن در بین دختران و پسران نوجوان مورد ملاحظه قرار گیرد. نتایج بدست آمده ممکن است در اثر نحوه طراحی پرسشنامه تحقیق و نوع سوالات باشد. از آنجا که در پرسشنامه خطرپذیری نوجوانان، گویه‌ها به دلیل مقتضیات فرهنگی و اجتماعی ایران، بیشتر بصورت غیر مستقیم مطرح شده و رفتار جنسی مشخصاً مورد سوال قرار نگرفته است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ارتباط ورزش و رفتار جنسی نوجوانان نیز بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تحقیقات بعدی، با نمونه بزرگتر، دربرگیرنده گروه‌های جنسی، سنی و قومی متنوع تر و همراه با طرح مطالعات طولی انجام شود. بررسی نقش ورزش دبیرستان در تأمین سلامت جنسی نوجوانان و کیفیت زندگی او در بزرگسالی، در قالب پژوهشی طولی مفید به نظر می‌رسد.

منابع:

۱. زاده محمدی، ع. و احمدآبادی، ز. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر ساختار خانواده، محیط خانوادگی و ارتباط با مدرسه بر خطرپذیری دانش‌آموزان دبیرستانهای شهر تهران. طرح پژوهشی: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.

۲. صداقت زادگان، ش. (۱۳۸۴). جامعه‌پذیری از طریق ورزش. *المپیک*، ۱۳ (۴) (پیاپی، ۳۳)، ۶۱-۷۱.
۳. فراهانی خلیج آبادی، ف. و عبادی فردآذر، ف. (۱۳۸۲). مقایسه تأثیر آموزش پیشگیری از ایدز توسط گروه همسالان و بزرگسالان بر آگاهی، نگرش و خودبستگی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی، منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران با استفاده از مدل تئوری شناختی - اجتماعی، سال ۸۲-۱۳۸۱. *باروری و ناباروری*، ۵ (۱) (مسلسل ۱۷)، ۹۱-۷۷.
۴. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. (۱۳۸۵). گزارش مرکز مدیریت بیماری‌ها (دیسک فشرده).
5. Aaron, D.J., Dearwater, T.L., Anderson, R., Olsen, T.L., Krisha, A.M., & LaPorte, R.E. (1995). Physical activity and the initiation of high risk health behaviors in adolescents. *Medical & Science in Sports and Exercise*, 27, 1639-1645.
6. Baumert, P.W., Henderson, J.M. & Thompson, N.J. (1998). Health risk behaviors of adolescent participants in organized sports. *Journal of Adolescent Health*, 22, 460-465.
7. Cohen, L.E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A Routine activity approach. *American Sociological Review*, 44, 588-608.
8. Curry, T.J. (1991). Fraternal bonding in the locker room: A pro feminist analysis of talk about competition and women. *Sociology of Sport Journal*, 8 (2), 119-135.
9. Dunn, M. S., & Wang, M. Q. (2003). Effects of physical activity on substance use among college students. *American Journal of Health Studies*, 18 (2/3), 126-132.
10. Fasting, K., Brackenridge, C.H., Miller, K.E., & Sabo, D. (2008). Participation in college sports and protection from sexual victimization. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 6, 427-441.
11. Fink, J. S. (2008). Gender and sex diversity in sport organizations: Concluding comments. *Sex Roles*, 58, 146-147.
12. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. University of California Press, Berkeley, CA.
13. Kirkcaldy, B.D., Shephard, R.J., & Siefen, R.G. (2002). The relationship between physical activity and self-image and problem behaviour among adolescents. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 37, 544-550.

14. Kulig, K., Brener, N.D., & McManus, T. (2003). Sexual activity and substance use among adolescents by category of physical activity plus team sports participation. *Archives of Pediatrics & Adolescent Medicine*, 157, 905-912.
15. La Greca, A., Prinstein, M.J., & Fetter, M. (2001). Adolescent peer crowd affiliation: Linkages with health-risk behaviors and close friendships. *Journal of Pediatric Psychology*, 26(3), 131-143.
16. Lehman, S.J., & Koerner, S.S. (2004). Adolescent women's sports involvement and sexual behavior/health: A process-level investigation. *Journal of Youth and Adolescence*, 33(5), 443-455.
17. Messner, M. (1990). Boyhood, organized sports, and the construction of masculinities. *Journal of Contemporary Ethnography*, 18(4), 416-444.
18. Messner, M., & Sabo, D. (1994). *Sex violence and power in sports*. Freedom, CA: The Crossing Press.
19. Miller, K.E., Melnick M.J., Barnes, G.M., Sabo, D., & Farrell, M.P. (2007). Athletic involvement and adolescent delinquency. *Journal of Youth Adolescence*, 36, 711-723.
20. Miller, K.E., Sabo, D., Farrell, M.P., Barnes, G.M., & Melnick, M.J. (1999). Sports, sexual activity, contraceptive use, and pregnancy among female and male high school students: Testing cultural resource theory. *Sociology of Sport Journal*, 16(4), 366-387.
21. Miller, K.E., Sabo, D., Farrell, M.P., Barnes, G.M., & Melnick, M.J. (1998). Athletic participation and sexual behavior in adolescents: The different worlds of boys and girls. *Journal of health and social behavior*, 39, 108-123.
22. Mohammadi, M. R., Mohammad, K., Farahani, F., Alikhani, S., Zare, M., Tehrani, F. R., Ramezankhani, A., & Alaeddini, F. (2006). Reproductive knowledge, attitudes and behavior among adolescent males in Tehran, Iran. *International Family Planning Perspectives*, 32, 35-44.
23. Moore, S., Barnett, R., & Gibson, H. (2007). *The effects of athletic participation on adolescent sexual debut*. Available: <http://fyics.ifas.ufl.edu/>
24. Osgood, D.W., Wilson, J.K., O'Malley, P.M., Bachman, J.G., Johnston, L.D. (1996). Routine activities and individual deviant behavior. *American Sociological Review*, 61, 635-655.
25. Pate, R.R., Heath, G.W., Dowda, M., & Trost, S.G. (1996). Associations between physical activity and other health behaviors in a representative sample of U.S. adolescents. *American Journal of Public Health*, 86, 1577-1581.
26. Petitpas, A.J., Van Raalte, J.L., Cornelius, A.E., & Presbrey, J. (2004). A life skills development program for high school student-athletes. *The Journal of Primary Prevention*, 24(3), 325-334.

27. Rimal, R.N., & Real, K. (2003). Understanding the influence of perceived norms on behaviors. *Communication Theory*, 13(2), 184-203.
28. Rodriguez, D., & Audrain-McGovern, J. (2004). Team sport participation and smoking: Analysis with general growth mixture modeling. *Journal of Pediatric Psychology*, 29(4), 299-308.
29. Rotheram-Borus, M.J., Miller, S., Koopman, C., Haignere, C., & Selfridge, C. (2002). *Adolescents living safely, AIDS awareness, attitudes and actions*. HIV Centre for Clinical and Behavioural studies. New York State Psychiatric Institute. Available: chipts.ucla.edu/interventions/manuals/runaway-gay/runaway/intro.pdf
30. Sabo, D., Miller, K.E., Farrell, M.P., Melnick, M.J., & Barnes, G.M. (1999). High school athletic participation, sexual behavior and adolescent pregnancy: A regional study. *Journal Adolescence Health*, 25, 207-216.
31. Sage, G.H. (1998). Does sport affect character development in athletes? *Journal of Physical Education, Recreation and Dance*, 69, 15-18.
32. Sage, G.H. (1997). Physical education, sociology and sociology of sport: Points of intersection. *Sociology of Sport Journal*, 14(4), 317-339.
33. Savage, M. & Holcomb, D. (1999). Adolescent female athlete's sexual risk-taking behaviors. *Journal of Youth and Adolescence*, 28(5), 595-603.
34. Small, S., & Luster, T. (1994). Adolescent sexual activity: An ecological, risk-factor approach. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 181-192.
35. Smith, E. A., & Caldwell, L.L. (1994). Participation in high school sports and adolescent sexual activity. *Pediatrics*, 6, 69-74.
36. Zill, N., Nord, C.W., & Loomis, L.S. (1995). *Adolescent time use, risky behavior, and outcomes: An analysis of national data*. Westat, Inc: U.S. Department of Health and Human Services. Available: <http://aspe.hhs.gov/HSP/cyp/xstimuse.htm>.